

بررسی دیدگاه‌های مفسران فریقین ذیل آیه ۴۳ مدثر

علیرضا زکی‌زاده رنانی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۰

اکرم بهرامیان**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۴

چکیده

در این تحقیق دیدگاه‌های مفسران فریقین ذیل آیه ۴۳ مدثر به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است و هدف آن بوده که منشأ اختلاف به دست آید تا معنی صحیح‌تر ارائه گردد. اشتراک دیدگاه شیعه و سنی در مورد آیه «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» را می‌توان چنین بیان کرد: نه مفسر شیعه و هفت مفسر سنی «ترک نماز واجب»، چهار مفسر شیعه و سه مفسر سنی «ترک مطلق نماز». اما اختلاف دیدگاه شیعه و سنی در ترک نماز خاص، ترک نماز و شکرگزاری، اخلال در نماز، نهی از فحشا، نفی نماز، ترک نماز مسلمین، ترک نماز مؤمنین، ترک عبادت، بی‌ایمانی، عدم توجه به حق در زمان‌های مشخص برای خدا، ترک نماز و سبقت گیرندگان به ولایت است که اختلاف به دو شاخه اصلی، نماز و سبقت گیرندگان به ولایت، تقسیم می‌شود. با توجه به معنی لغت، سیاق آیات و بررسی روایات می‌توان منشأ اختلاف را اینطور بیان کرد که بعضی از مفسران آیه را تفسیر و بعضی دیگر تأویل آیه را بیان کردند و یا برخی مصادیق «مصلین» و برخی دیگر تحلیل اخلاقی و کلامی آیه را ذکر نمودند و الا نماز یک حقیقت شرعی است که در آن اختلافی نیست.

کلیدواژگان: بررسی تطبیقی، المصلین، ترک نماز، فحشا، ریا.

بیان مسأله

مباحث مربوط به نماز از جمله محورهای مهم مباحث دینی است. کتاب‌های آسمانی: تورات، انجیل، زبور و قرآن همه به نوعی در مورد ارتباط با خداوند مطالبی را بیان فرمودند. همچنین کتاب و مقالات زیادی در مورد نماز و اهمیت آن به نگارش در آمده است؛ حتی در مورد سوره مدثر نیز مطالبی چون «با توجه به آیات ۴۳ تا ۴۶ سوره مدثر چهار کار که باعث شده افراد جهنمی شوند» از بهرام پوررزاقی یا شأن نزول، تعداد آیات، و فضیلت سوره مدثر تدوین شده است؛ اما این اصطلاح به روش تفسیر تطبیقی کار نشده است. هرچند در چند سال اخیر کتاب و مقالاتی با عناوین مختلف به روش تفسیر تطبیقی کار شده است. کتاب «بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین» از *حجت الاسلام فتح الله نجارزادگان* به مبانی مشترک در تفسیر فریقین پرداخته همچنین مقاله‌ای با عنوان «نگاهی نو به عصمت حضرت آدم علیه السلام از منظر فریقین با رویکردی به آیه ۱۲۱ سوره طه» در شماره ۳۱ فصلنامه مطالعات قرآنی به چاپ رسیده است. این مقاله اختلافات موجود در تفسیر و روایات فریقین را بررسی کرده و به شبهات پیرامون آن پاسخ داده است. یا مقاله «بررسی تطبیقی شیوه بیان داستان‌های قرآنی در مثنوی معنوی و تفسیر کمبریج» در شماره ۲۹ فصلنامه مطالعات قرآنی است. اما مقاله‌ای که سوره مدثر و یا آیه ۴۳ را به روش تطبیقی کار کرده باشد، دیده نشد.

از بررسی دیدگاه‌های فریقین در سوره‌های قرآن، ترجمه‌های مختلفی به دست می‌آید، که محقق به دنبال آن است، با نقد و ارزیابی دیدگاه‌ها و بررسی علل اختلاف آیه ۴۳ سوره مدثر به ترجمه مناسب و مطمئنی از آن برسد.

مطالب این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی جمع‌آوری شده است که بیش از چهل تفسیر شیعه و سنی مورد مقایسه قرار گرفت و صنف ترجمه‌ها بررسی و واژه «مصلین» ریشه‌یابی شد و علت اصلی اختلاف مفسرین ارائه شد. همچنین نمونه‌ای تطبیقی با رجوع به کتب لغات اصیل و توجه به معنای اولیه، دقت در سیاق آیات و آیات مشابه و بررسی تفاسیر مختلف، واژه «مصلین» مورد تحلیل قرار گرفت. تا بدین وسیله تبیینی در جهت علل اختلاف شیعه با سنی قرار گیرد. امید است با چنین تحقیقاتی قدمی برای گسترش روش تفسیر صحیح فراهم شود و لغزش‌های موجود در تفسیر

برطرف و دقت خوانندگان در خواندن و فهم آیات الهی بیش‌تر و در نتیجه اثر و فایده بیش‌تری اتخاذ گردد.

آیه ۴۳ سوره مدثر

﴿قَالُوا لَوْلَا نُنزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً يَرِيهِنَّ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ﴾

«می‌گویند ما از نمازگزاران نبودیم»

با توجه به آیات قبل، این آیه را اصحاب یمین از مجرمین می‌پرسند که چه چیز شما را به دوزخ فرستاد؟ آن‌ها به چهار گناه بزرگ خویش در این رابطه اعتراف می‌کنند که اولین آن‌ها این است که از نمازگزاران نبودند. البته مفسران شیعه و اهل سنت موارد دیگری را بیان کردند که برای رسیدن به منشأ اختلاف ابتدا نظرات فریقین در ذیل آیه ۴۳ سوره مدثر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دیدگاه شیعه

مفسران شیعه در ذیل آیه مورد نظر، دیدگاه‌های خود را در مورد اینکه جزء نمازگزاران نبودند، چنین مطرح کردند که بعضی از مفسران تفسیر آیه را و بعضی مفسران تأویل آیه را بیان کردند که به طور مختصر شرح داده می‌شود.

۱. ترک نماز خاص

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه، ضمیر جمع در "قالوا" را به مجرمین برمی‌گرداند، و مراد از "صلاة" را نماز معمولی بیان نمی‌فرماید، بلکه منظور توجه عبادتی خاص به درگاه خدای تعالی است، که با عبادت در شرایع معتبر آسمانی از حیث کم و کیف با هم مختلف‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۱۵۳).

۲. نماز واجب

بیش‌تر مفسرها (طیب ۱۳۷۸ ش، ج ۱۳: ۲۸۵؛ سبزواری، ۱۴۱۹ق: ۵۸۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲: ۱۳۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۹۲؛ حسینی شاه عبدالعظیمی،

۱۳۶۳ ش، ج ۱۳: ۳۸۵؛ کاشانی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۱۵۹۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۴: ۲۸؛ کاشانی، ۱۳۳۶ ش، ج ۱۰: ۷۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۵: ۵۵۶) می‌نویسند: منظور از «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» ترک نماز واجب است. زیرا ترک هر نماز فریضه عقوبت دارد در صورتی که ترک نماز مستحبی عقوبت ندارد. با توجه به روایات زیادی که در مورد نماز وارد شده است به نظر می‌رسد این تفسیر درستی است.

۳. مطلق نماز

تعدادی از مفسرها مطلق نماز را بیان کرده‌اند که اهل جهنم پاسخ دادند ما در زمره نمازگزاران نبودیم (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۹: ۱۸۵؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷: ۲۸۸؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ ش، ج ۴: ۶۳۸). این مفسران بر این باورند که اگر نماز می‌خواندند، نماز آن‌ها را از فحشا و منکر نهی می‌کرد و به راه مستقیم دعوت می‌کرد و دیگر اهل جهنم نبودند.

۴. نماز و شکرگزاری

حسینی همدانی در تفسیر «انوار درخشان» در ذیل آیه می‌نویسد: «اهل جهنم پاسخ می‌دهند اهل نماز و اداء فرایض یومیه نبودیم و بالأخره در مقام سپاس از نعمت‌های پروردگار بر نیامده به اصول توحید معتقد نبوده و به وظایف دینی و عملی ملتزم نبوده طریقه عبودیت نمی‌پیمودیم» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۷: ۱۹۸). وی شاهد نظر خود را یگانه شعار عبودیت و سعادت و رابطه با ساحت کبریائی اداء فرایض یومیه و سپاس از نعمت بیان می‌کند.

۵. اخلال در نماز

صاحب «تبیان» می‌نویسد: «آن‌ها نمی‌گویند ما ترک کننده نماز بودیم بلکه آن‌ها مستحق عقاب هستند به خاطر خللی که در نماز وارد کردند». ایشان به دلیل آیه «وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ» مخاطب را کفار می‌داند (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۸۶). این مطلب رد

است به خاطر اینکه اولاً ظاهر آیه اشاره به خلل در نماز نمی‌کند و ثانیاً کسی که کافر باشد و روز قیامت را تکذیب کند نماز نمی‌خواند.

۶. نهی از فحشا

صاحب تفسیر «کاشف» با توجه به آیه ۴۵ سوره عنکبوت این آیه را تفسیر می‌کند و می‌نویسد: «نماز سبب نهی از فحشا و منکر می‌شود و چون آن‌ها اهل فحشا و منکر بودند اهل جهنم شدند» (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷: ۴۶۵؛ مغنیه، بی تا، ج ۱: ۷۷۷).

۷. پیرو ولایت

اما تعدادی از مفسرهای شیعه نظری متفاوت دارند؛ آن‌ها می‌نویسند اهل جهنم پاسخ می‌دهند: دارای ولایت علی علیه السلام یا ولایت ائمه علیهم السلام نبودیم، این مفسران بر این باورند که نماز حقیقی بدون ولایت محقق نمی‌شود، بلکه ولایت در حقیقت همان نماز است. لذا علی علیه السلام فرمود: «من نماز هستم آیا ما از پیروان سابقین نبودیم؟» و آن‌ها کسی را که در مسابقه به دنبال سابق و برنده می‌آید مصلی و نماز گزار می‌نامند (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۷۱۴؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۱۷؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۵۱۵؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۹۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۴۵۹).

این مفسران تأویل آیه را بیان کردند که برای تأویل، سند عقلی و نقلی معتبری باید وجود داشته باشد که در قسمت منشأ اختلاف مورد بررسی قرار خواهد گرفت. البته در بعضی از این تفاسیر فقط به همین تفسیر اکتفا نکرده‌اند و تفسیرهای دیگری را بیان نموده‌اند مثل تفسیر «بیان السعادة» که فرموده: «یا مقصود این است که ما از پیروان وصی محمد صلی الله علیه و آله نبودیم و بر آن‌ها صلاة و درود نفرستادیم و به همه این معانی در خبر اشاره شده، یا مقصود این است که ما نماز قالبی را که در شریعت مقرر شده انجام ندادیم و به این معنا نیز در خبری از علی علیه السلام اشاره شده است». همچنین در تفسیر «نور الثقلین» بعد از بیان اینکه روایت‌ها را در مورد ولایت می‌آورد از امیرالمؤمنین ذیل همین آیه سخنی بیان می‌شود: «تعاهدوا الصلوة وحافظوا علیها واستکثروا منها وتقربوا بها فإنها کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا».

دیدگاه مفسران سنی

مفسران سنی برای نماز در ذیل آیه ۴۳ سوره مدثر تفسیرهای زیر را ذکر کردند که به شرح مختصر آن پرداخته می‌شود.

۱. نماز واجب

بیش‌تر مفسران سنی می‌نویسند: «کسانی که نماز واجب را ترک کردند زیرا چیزی که واجب نباشد عذاب بر آن واجب نیست» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۱۶؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۵۸۲؛ رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰: ۲۹۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۵: ۱۴۷؛ حقی بروسوی، بی تا، ج ۱۰: ۲۴۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹: ۲۴۳).

۲. نفی نماز

ثعالبی در تفسیر «جواهر الحسان» می‌نویسد: «کافران نماز را نفی کردند زیرا ایمان به خدا، معرفت به خدا و خشوع، با نماز کسب می‌شود» (ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۵۱۶).

۳. نماز مسلمین

در تفسیر «الموسوعة القرآنية» منظور از مصلین، نمازی است به همان صورت که مسلمین نماز می‌خوانند (ایباری، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱: ۳۹۷).

۴. نماز مؤمنین

یا منظور از مصلین نمازی است که مؤمنین می‌خوانند (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲۰: ۸۸؛ مراغی، بی تا، ج ۲۹: ۱۴۰).

۵. ترک عبادت

قاسمی در تفسیر «محاسن التأویل» در بیان این آیه می‌نویسد: «ترک عبادت‌های بدنیه است» (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۹: ۳۶۰).

۶. ایمان

سید قطب نماز را کنایه از ایمان می‌داند و در ادامه می‌نویسد این اشاره به اهمیت نماز دارد که نماز رمز ایمان و انکار آن دلیل کفر است و صاحبش را از صف مؤمنین خارج می‌کند (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۳۷۶۱).

۷. مطلق نماز

تعدادی از مفسران سنی بر این نظر هستند که آن‌ها در دنیا نمازگزار خدا نبودند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹: ۱۰۴؛ سور آبادی، ۱۳۸۰ش، ج ۴: ۲۷۲۱؛ ابن عاشور، ج ۲۹: ۳۰۴).

۸. توجه به حق در زمان‌های مشخص

نخجوانی در ذیل آیه می‌نویسد: «توجه به حق در اوقاتی که برای ما نوشته شده است» (نخجوانی، ۱۹۹۹م، ج ۲: ۴۶۳).

۹. برای خدا

اهل جهنم در پاسخ گفتند نماز را در دنیا برای خدا نمی‌خواندیم (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۳۶۶).

۱۰. ترک نماز

نیشابوری بدون هیچ تفسیری قید ترک نماز را بیان کرده است (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۳۹۷).

اشتراک دیدگاه شیعه و سنی در مورد آیه ۴۳ سوره مدثر

ترک نماز واجب	نه مفسر شیعه	هفت مفسر سنی
مطلق نماز	چهار مفسر شیعه	سه مفسر سنی

اختلاف دیدگاه شیعه و سنی در مورد آیه ۴۳ سوره مدثر

یک مفسر شیعه	نماز خاص
یک مفسر شیعه	نماز و شکرگذاری
یک مفسر شیعه	اخلال در نماز
یک مفسر شیعه	نهی از فحشا
چهار مفسر شیعه	سبقت گیرندگان به ولایت
یک مفسر سنی	نفی نماز
یک مفسر سنی	نماز مسلمین
دو مفسر سنی	نماز مؤمنین
یک مفسر سنی	ترک عبادت
یک مفسر سنی	ایمان
یک مفسر سنی	توجه به حق در زمان‌های مشخص
یک مفسر سنی	برای خدا
یک مفسر سنی	ترک نماز

دو شاخه اصلی اختلاف

نماز	سبقت گیرندگان به ولایت
------	------------------------

علل اختلاف دیدگاه شیعه و سنی در مورد آیه ۴۳ سوره مدثر

برای دستیابی به منشأ اختلاف فریقین، موارد مفهوم شناسی، سیاق آیات، ترجمه آیه و سند روایت بررسی می‌شود.

لغت

بررسی واژه «صلاة»

۱. صلوة از ریشه «صلو»

واژه «صلاه» از ریشه صلو به معنی دعا کرد و نماز خواند (مهیار، بی‌تا: ۵۵۷). راعب در بیان واژه «صلاة» می‌نویسد: «صَلَاة: یعنی نماز، که یکی از عبادات مخصوص است، اصلش دعاست و وجه نامگذاری آن عبادت به صلاة مثل نامیدن چیزی به اسم بعض از

محتوای آن است که آن را در بر می‌گیرد» (راغب، ج ۲: ۴۱۶). وی در ادامه ذکر می‌کند که صلاة از عباداتی است که شریعت از آن تفکیک ناپذیر است هرچند که صورت آن بر حسب شرع و شرعی دیگر گونه‌گون باشد و لذا گفت: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ (نساء / ۱۰۳) (راغب، ج ۲: ۴۱۶). «المکنز العربی المعاصر» واژه «صلاة» را دعا، استغفار، رحمت، عبادت، قیام و ت جهد معنا کرده است (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴ق: ۶۶).

۲. صلاة از ریشه «صلی»

جوهری واژه «صلاة» را از ریشه صلی و به معنای دعا گرفته است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶: ۲۴۰۲) ولی در «معجم مقاییس اللغة» واژه «صلی» را به دو معنا گرفته است: یکی به معنای نار و دیگری به معنای دعا (ابو الحسین، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۰۰) و در ادامه یک روایت از پیامبر نیز برای معنای دوم آورده است. قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَلْيُجِبْ، فَإِنْ كَانَ مَفْطَرًا فَلْيَأْكُلْ، وَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيَصِلْ». «زمانی که کسی از شما به غذا دعوت شود، باید بپذیرد. پس اگر روزه نیستی پس بخور و اگر روزه هستی نماز بخوان». در حدیث واژه «یصل» به معنای نماز گرفته شده است.

به نظر می‌رسد واژه «صلاة» به معنای نماز از هر دو ریشه «صلی» و «صلو» صحیح باشد.

بررسی واژه «مصلین»

المصلین: جمع المصلی، اسم فاعل از رباعی صلی، و زنش مفعّل به ضمّ میم و کسر عین الفعل مشدّدة و در المصلین إعلال به حذف به سبب التقاء الساکنین و أصلش المصلّیین به یائین است (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹: ۸۶). مصلی، اسم مکان از صلی یصلی رباعی است، او بر وزن مضارعه المبنیّ برای مجهول است به إبدال حرف مضارعه میم مضموم و ألف در مصلی أصل او واو بوده که قلب به ألف شده است.

واژه مصلی در کلام عرب به معنای سبقت‌گیرنده متقدم است (مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۵). «قاموس» «المصلین» را اهل ایمان بیان کرده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۵) و

«التحقیق» مصلین آیه مورد نظر را نماز بیان کرده به خاطر اینکه نماز اول وظیفه عبد دانسته شده است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۵: ۱۸۲) همچنین مصلی را کسی می‌داند که قلب او با عالم نور ارتباط دارد و توجه به خدا و تعلقات مادی قطع می‌شود لذت‌های روحانی حقیقی را کسب می‌کند (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۱: ۲۹۵).

در «مجمع البحرین» مصلین آیه مورد نظر مدثر را پیروان سابقین بیان کرده است نه سبقت گیرندگان و دلیل اینطور بیان شده که راس آن نزد سابق است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۶۹).

به نظر می‌رسد بسیاری از مفسران با توجه به معانی واژه «صلاة» آیه را تفسیر کرده‌اند و معانی نماز خاص، نماز مؤمنین، نماز مسلمین، ایمان و... را بیان کردند.

بررسی ترجمه‌ها

تمام مترجمان واژه «مصلین» را به معنی نمازگزاران گرفتند و در ترجمه آیه «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» نوشته‌اند: «ما از نمازگزاران نبودیم» به جز آیتی که نوشته: «ما نماز نمی‌خواندیم» و فیض الاسلام می‌نویسد: «کسانی که در دوزخ‌اند گویند (سبب آوردنمان در اینجا آن است که) ما از نمازگزاران (یا از پیروان ائمه معصومین علیهم السلام که پیشرو بودند) نبودیم».

سیاق آیات

با توجه به آیات قرآن، نماز و زکات، از مهم‌ترین کار بنده است. هیچ دین و شریعتی بدون نماز نبوده است هرچند در کیفیت انجام این تکلیف الهی با هم اختلاف دارند. قرآن کریم در یک سوره واژه «مصلی» (بقره/۱۲۵) که اسم مکان گرفته شده است و در سه سوره دیگر واژه «مصلین» (معارج/۲۲، مدثر/۴۳، ماعون/۴) ذکر شده که معنی نماز تفسیر شده است. به طور مختصر به آن پرداخته می‌شود:

بیش‌تر مفسران واژه «مصلین» را نمازگزاران، نماز واجب بیان کرده‌اند (طیب، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۳: ۱۹۱؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۷: ۷۹؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۱۲۱). بعضی از مفسرین با توجه به آیه بعد که می‌فرماید دائم در نماز هستند نماز مستحبی را

بیان می‌کنند (قمی، ۱۳۶۷ ش، ج ۲: ۳۸۶). علامه طباطبایی (ره) می‌نویسد: «اگر از میان همه امتیازات مؤمنینی که در آیات بعد ذکر می‌شود نماز را اختصاص به ذکر داد، برای این بود که شرافت نماز را رسانیده، و بفهماند نماز بهترین اعمال است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۰: ۱۵).

طبرسی در تفسیر «جوامع الجامع» درباره «المصلین» می‌نویسد: «خداوند با یکتاپرستانی استثنا کرد کسانی که مطیع‌اند، و با نفس‌هایشان جهاد کرده و آن‌ها را به طاعت‌ها و می‌دارند و از شهوت‌ها منع می‌کنند، تا آنجا که نه بی‌تابی کرده و نه از انفاق مال امتناع می‌ورزند. طبرسی چند حدیث در مورد نماز ذکر می‌کند که: «بهترین عمل آن است که بر آن بیش‌تر مداومت شود». همچنین از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که این [مداومت] در مورد نافله‌هاست، و آیه شریفه علی صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ در مورد واجبات است» (طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۴: ۳۶۰).

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر «المیزان» می‌نویسد: «یعنی آن‌هایی که از نمازشان غافل‌اند اهمی‌امی به امر نماز ندارند، و از فوت شدنش باکی ندارند چه اینکه به کلی فوت شود و چه اینکه بعضی از اوقات فوت گردد، و چه اینکه وقت فضیلتش از دست برود و چه اینکه ارکان و شرایطش و احکام و مسائلش را ندانسته نمازی باطل بخوانند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۰: ۳۶۸).

در تفسیر «جوامع الجامع» نوشته شده: «وای بر نمازگزارانی که از نماز غفلت می‌کنند و غفلتشان برای این است که به نماز اهمی‌ت نمی‌دهند تا نمازشان فوت شده یا وقتش می‌گذرد یا افعال نماز را سبک می‌شمارند و آنگونه که امر شده‌اند نماز نمی‌گذارند یعنی ارکان آن را ادا نکرده و به حدود و حقوق نماز اقدام نمی‌کنند و همچون کلاغ که نوک بر زمین می‌زند بدون خشوع نماز می‌گذارند و از مکروهات مانند بازی کردن با مو (ی سر و صورت) و لباس و بسیار خمیازه کشیدن و کشیدن سینه و شانه و توجه (به این سو و آن سو) نمی‌پرهیزند. نمازگزارانی که عادت کرده‌اند در اعمالشان سمعه و ریا کنند و تنها قصدشان اخلاص و نزدیکی به خدا نیست و حقوقی را که خدا در اموالشان دارد نمی‌پردازند. ﴿الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤْنَ﴾ یعنی این‌ها که ریاکارند سزاوارترند که نسبت به نماز اهمی‌ت ندهند، نمازی که ستون دین و جداکننده میان ایمان و کفر است و آن را با ریا

که شعبه‌ای از شرک است در می‌آمیزند» (مترجمان، ۱۳۷۷ ش، ج ۶: ۷۱۶). نتیجه بحث سیاق آیات این است که مفسران در تفسیر هر دو آیه، واژه «مصلین» را نماز و یا مصادیقی از نماز بیان کردند.

روایت

به نظر می‌رسد تعدادی از مفسران آیه را تأویل کرده‌اند. مفسرانی که منظور از آیه *«قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»* را پیروان ولایت بیان کرده‌اند یا دلیل نیاورده‌اند و یا استناد کرده‌اند به روایتی در «کافی» به شرح ذیل:

«فی أصول الکافی علی بن محمد عن سهل بن زیاد عن إسماعیل بن مهران عن الحسن القمی عن إدريس بن عبد الله عن ابي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن تفسیر هذه الآية: «ما سَلَكَكُمْ فِي سَفَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» قال: عنی بها لم نک من اتباع الائمة الذین قال الله تبارک وتعالی فیهم «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» أما ترى الناس یسمون الذی یلی السابق فی الحلبه مصلی فذلک الذی عنی حدیث قال: «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» لم نک من اتباع السابقین» (کلینی ۱۳۶۲، ج ۱: ۴۱۹). «دریس بن عبد الله گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر این آیه را پرسیدم: چه چیز شما را به دوزخ کشانید؟ گویند: ما نمازگزار نبودیم» فرمود: مقصود این است که: پیروی نکردیم از امامانی که خدای تبارک و تعالی درباره ایشان فرموده است: «و پیشروان پیشرو، آن‌هایند مقربان. مگر نمی‌بینی که مردم اسبی را که در مسابقه پشت سر سابق است مصلی نامند؟ همین معنی مقصود است در آنجا که فرماید: «ما از مصلین نبودیم» یعنی پیرو پیشروان نبودیم».

بررسی سند حدیث

این حدیث در کتاب «کافی» ذکر شده و اگر در کتاب دیگر قید شده آدرس به «کافی» داده شده است (مثل کتاب وافی، ج ۳: ۹۲۳. مناقب آل طالب علیهم السلام (ابن شهر اشوب)، ج ۴: ۳۳۰). برای رسیدن به هدف باید سند روایت مورد بررسی قرار گیرد.

ارزیابی سند نشان می‌دهد این روایت ضعیف است و نوع سند عادی و اتصال آن مسند است. تمام راویان به جز *ادریس بن عبدالله القمی مجهول الحال* هستند و شرح حال *ادریس بن عبدالله القمی*، امامی ثقه در طبقه *امام صادق و امام کاظم علیهما السلام* بوده است.

تأویل در صورتی مورد قبول است که دلیل عقلی و نقلی معتبر داشته باشد پس روایتی که سند آن ضعیف باشد قابل اسناد نیست.

همچنین «تفسیر صافی» دو روایت می‌نویسد: یکی از آن‌ها حدیث قبلی بود که سند آن ضعیف است (همانطور که بررسی شد) و روایت دیگر آن: «*وعن الكاظم عليه السلام قال یعنی انا لم نتولّ وصیّ محمد والأوصیاء من بعده علیهم السلام ولم نصلّ علیهم*». ما از پیروان وصیّ محمد صلی الله علیه و آله نبودیم و بر آن‌ها صلاة و درود نفرستادیم» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۲۵۱).

سند روایت ضعیف است، اتصال آن مرسل و نوع سند آن عادی و راویان آن مجهول الحال هستند (علی بن محمد عن بعضی اصحابنا عن ابن محبوب عن محمد بن الفضیل عن ابي الحسن الماضي).

روایاتی که واژه «مصلین» را به معنی سبقت گیرندگان به ولایت گرفته بودن سند آن‌ها ضعیف بود که استناد به آن جایز نیست. علاوه بر آن یک روایت از *امام علی علیه السلام* در ذیل همین آیه ۴۳ مدثر بیان شده است که به معنی نماز است.

روایت امام علی علیه السلام

حدیثی از *امام علی علیه السلام* در نهج البلاغه بیان شده که در ذیل همین آیه می‌فرماید: «تعاهدوا امر الصلوة وحافظوا علیها واستکثروا منها وتقربوا لها فانها کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا، الا تسمعون الی جواب اهل النار حین سئلوا ما سلکم فی سقر قالوا لم نک من المصلین»: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «تعاهد نمائید امر نماز را و محافظت کنید بر نماز و بسیار به جا آورید نماز را و تقرب جوئید به سبب آن، به جهت آنکه نماز بر مؤمنین از واجبات در وقت آن است. مگر نشنیدید جواب اهل جهنم را وقتی که سؤال کنند اهل بهشت از آن‌ها چه چیز باعث شد به جهنم افتادید،

گویند: نبودیم از نمازگزارندگان» (رضی: ۳۱۸؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۳: ۳۸۵).

در شرح نهج البلاغه فیض الاسلام در ذیل آیه «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَوْلَا نَتْنَا مِنَ الْمُصَلِّينَ» می‌نویسد: «پرسیده می‌شود چه چیز شما را گرفتار دوزخ ساخت؟ می‌گویند از نمازگزاران نبودیم. نماز گناهان را می‌ریزد مانند ریختن برگ (از درخت) و رها می‌کند مانند رها کردن بندها (از گردن چهارپایان) و رسول خدا- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- نماز را به چشمه آب گرم تشبیه فرموده که بر در خانه مردی باشد و شبانه روزی پنج نوبت از آن شست‌وشو کند، پس (معلوم است) دیگر بر چنین کسی چرک باقی نخواهد ماند، و حق نماز را مردانی از مؤمنین شناخته‌اند که آرایش کالا (ی جهان) و روشنی چشم از فرزند و دارائی آنان را از آن باز نمی‌دارد، خداوند سبحان می‌فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ» یعنی مردانی هستند که بازرگانی و خرید و فروخت آن‌ها را از یاد خدا و به جا آوردن نماز و دادن زکوة غافل نمی‌گرداند. و رسول خدا- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- با اینکه به بهشت مرده داده شده بود برای نماز (از بس به جا می‌آورد) خود را به رنج می‌افکند به جهت فرمان خداوند سبحان: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» یعنی اهل خود را به خواندن نماز امر کن و خویشتن بر انجام آن شکیبا باش. پس آن حضرت هم اهل خود را به نماز امر می‌فرمود و خود را به شکیبایی بر رنج آن وا می‌داشت. پس برای مسلمانان زکات با نماز وسیله آشنائی قرار داده شده (ادای آن مانند نماز وسیله تقرب به خدا است) هر که آن را به میل و رغبت و خوشدلی اداء نماید برای او کفاره و پوشاننده (گناهان) و مانع و نگاهدارنده از آتش (دوزخ) است (ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۴: ۶۴۶ تا ۶۴۷).

نتیجه بحث

پس از مروری اجمالی بر لغت، روایت، سیاق آیات و بررسی ترجمه‌ها در مورد واژه «مصلین» می‌توان نتیجه گرفت که اختلاف‌ها دو دسته هستند: یک دسته نماز و شاخه‌ها و مصادیق آن، و دسته دیگر سبقت گیرندگان بر ولایت. به نظر می‌رسد منشأ اختلاف را می‌توان در لغت، روایت و سیاق آیات به شرح زیر جست‌وجو کرد.

۱. تعداد زیادی از مفسران شیعه و اهل سنت مصلین را به معنای صلاة در نظر گرفته و در کنار آن روایاتی که به همین معنی گرفته شده برای تأیید، ذکر کرده‌اند.

۲. دسته دیگر از مفسران شیعه واژه مصلی را به معنی سبقت گیرندگان در نظر گرفتند ولی با توجه به سیاق آیات همان سوره، «والسابقون السابقون» را ائمه در نظر گرفتند و با توجه به روایات، مصلین را به معنی پیروان سبقت گیرندگان (ولایت) تفسیر کردند.

از آنجا که نماز یک حقیقت شرعی است منظور اصلی آیه همان نماز است و کسانی که معانی دیگری را تفسیر کردند یا مصادیق نماز را در نظر گرفته‌اند و یا تحلیل اخلاقی یا کلامی کردند. همانطور که واژه «مصلین» در زبان عرب به معنی سبقت گیرنده بود نماز نیز این خصوصیت را دارد زیرا ۱. نماز اولین وظیفه عبد است که اگر پذیرفته شود کارهای دیگر او نیز پذیرفته می‌شود. ۲. همچنین در نماز است که قلب از تعلقات مادی سبقت می‌گیرد و به عالم نور ارتباط برقرار می‌کند. ۳. باز نماز است که باعث می‌شود انسان از هوی‌های نفسانی خود سبقت بگیرد و از فحشا و منکرات دوری کند. پس نماز معنی جامعی است که معانی دیگر را نیز در بر دارد.

کتابنامه

قرآن کریم

کتب فارسی

- آیتی، عبدالمحمد. ۱۳۷۴ش، ترجمه قرآن، چ ۴، تهران: انتشارات سروش.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین. ۱۴۰۴ق، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
- خانی، رضا و حشمت الله ریاضی. ۱۳۷۲ش، ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد. ۱۳۸۰ش، تفسیر سور آبادی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی. ۱۳۷۳ش، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو. فیض کاشانی، ملا محسن. ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، چ ۲، تهران: انتشارات الصدر.
- طیب، سید عبدالحسین. ۱۳۷۸ش، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چ ۲، تهران: انتشارات اسلام.
- فیض الاسلام، سید علی نقی. ۱۳۷۸ش، ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، تهران: انتشارات فقیه.
- قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، چ ۶، تهران: بی نا.
- کاشانی، ملا فتح الله. ۱۳۳۶ش، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
- مترجمان. ۱۳۶۰ش، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی.
- مترجمان. ۱۳۷۷ش، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۱ق، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر. ۱۳۷۴ش، ترجمه تفسیر المیزان، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مهیار، رضا. بی تا، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، بی جا: بی نا.

کتب عربی

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. ۱۳۷۹ش، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: بی نا.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. بی تا، التحرير والتنویر، بی جا: بی نا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چ ۳، بیروت: دار صادر.
- ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا. ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم - ایران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- ابیاری، ابراهیم. ۱۴۰۵ق، الموسوعة القرآنية، بی جا: مؤسسه سجل العرب.
- آوسی، سید محمود. ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم. ۱۳۶۶ش، تفسیر جامع، چ ۶، تهران: انتشارات صدر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. ۱۴۱۸ق، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. ۱۴۱۸ق، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. ۱۴۱۰ق، الصحاح - تاج اللغة وصحاح العربیة، ۶ جلد، بیروت- لبنان: دار العلم للملایین.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی. ۱۴۰۹ق، تأویل الآیات الظاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. ۱۳۶۳ش، تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات.
- حسینی شیرازی، سید محمد. ۱۴۲۴ق، تقریب القرآن إلى الأذهان، بیروت: دار العلوم.
- حقی بروسوی، اسماعیل. بی تا، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر.
- سبزوارى نجفی، محمد بن حبیب الله. ۱۴۱۹ق، ارشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سید قطب، بن ابراهیم شاذلی. ۱۴۱۲ق، فی ظلال القرآن، چ ۷، بیروت- قاهره: دار الشروق.
- صافی، محمود بن عبدالرحیم. ۱۴۱۸ق، الجدول فی اعراب القرآن، چ ۴، بیروت- دمشق: دار الرشید مؤسسه الإيمان.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.
- طریحی، فخر الدین بن محمد. ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، چ ۳، تهران: بی نا.
- طوسی، محمد بن حسن. بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، چ ۴، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم. ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

فیض کاشانی، ملا محسن. ۱۴۱۸ق، **الأصفي في تفسير القرآن**، قم: مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي.

قاسمي، محمد جمال الدين. ۱۴۱۸ق، **محاسن التأويل**، بيروت: دار الكتب العلمية.

قرطبي، محمد بن احمد. ۱۳۶۴ش، **الجامع لأحكام القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

قمي مشهدي، محمد بن محمدرضا. ۱۳۶۸ش، **تفسير كنز الدقائق وبحر الغرائب**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي.

قمي، علي بن ابراهيم. ۱۳۶۷ش، **تفسير قمي**، ج ۴، قم: دار الكتاب.

كاشاني، محمد بن مرتضي. ۱۴۱۰ق، **تفسير المعين**، قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفي.

گنابادي، سلطان محمد. ۱۴۰۸ق، **تفسير بيان السعادة في مقامات العبادة**، ج ۲، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

مراغي، احمد بن مصطفى. بی تا، **تفسير المراغي**، بيروت: دار احیاء التراث العربي.

مصطفوی، حسن. ۱۴۳۰ق، **التحقيق في كلمات القرآن الكريم**، ج ۳، بيروت- قاهره- لندن: بی نا.

مغنيه، محمد جواد. ۱۴۲۴ق، **تفسير الكاشف**، تهران: دار الكتب الإسلامية.

مغنيه، محمد جواد. بی تا، **التفسير المبين**، قم: بنیاد بعثت.

میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد. ۱۳۷۱ش، **كشف الأسرار وعدة الأبرار**، ج ۵، تهران: انتشارات امیر کبیر.

نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد. ۱۴۱۶ق، **تفسير غرائب القرآن ورغائب الفرقان**، بيروت: دار الكتب العلمية.

مقالات

کرد، صفی الله و هاشم اندیشه و ولی الله نقی پور فر. پاییز ۱۳۹۶ش، «نگاهی نو به عصمت حضرت آدم علیه السلام از منظر فریقین با رویکردی به آیه ۱۲۱ سوره طه»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هشتم، شماره ۳۱.

Bibliography

The Holy Quran

Ibn Shahr Azobaz Mazandarani, Muhammad bin Ali (2000), *Manaqib Al'Abat Talib* (as) (Lahab Shahr Ashok), Qom.

Ibn Ashour, Mohammed bin Taher, (Beytah), *Al-Tahrir and Al-Tinwir*, all by no means.

Ibn Muhammad, Mohammed bin Makram (1414), *Lassan al-Arab*, Q 3, Beirut: Exported.

- Abu al-Hussein, Ahmad ibn Faris bin Zakaria, (1404), Ma'am Moghayes al-Laghah, Qom-Iran, Islamic Propaganda Publishing House of Qom Seminary.
- Ayati, Abdul Muhammad (1374), Translation of the Qur'an, Q 4, Tehran: Soroush Publication.
- Baha'u'yi, Abdullah bin Umar (1418), Anwar Al-Tanzil and Asrar Al-Tawil, Beirut: Dar Ehya Al-Torath Al-Arabi.
- Tha'bali, Abdulrahman ibn Muhammad, (1418), Jahar al-Hassan by commentary on al-Quran, Beirut, Darahiyat al-Arafat al-Arabi.
- Jashni, Ismail ibn Hammad, Al-Sahah - Taj al-lagh and Saha al-Arab, 6 vols, Dar al-Laumlaneh, Beirut - Lebanon, 1st, 1410 AH
- Haqi Brosuwi, Ismail, (no), the interpretation of the soul of al-Bayan, Beirut, Dar al-Fakr.
- Safi, Mahmudbn Abdul Rahim, (1418), Al-Jodwal in the Arabs of Al-Qur'an, Q 4, Beirut of Damascus: Dar Al-Rashid, Ma'is-e-Alaman.
- Tabatabaei Seyyed Mohammad Hussein (1417), Al-Meizan, Quran commentary, Q 5, Qom: Islamic publishing office of the Qom Seminary Teachers community.
- Tayeb, Seyyed Abdul Hussein (1999), Atib al-Bayan al-Tafsir al-Quran, Q 2, Tehran: Islamic publication.
- Sabzevari Najafi Muhammad ibn Habibullah, (1419), Ershad Alazahan al-Tafsir al-Quran, Beirut: Dar al-ta'arif for the press.
- Feyz Kashani, Mullah Mohsen (1418), Al-Asifi Muhsyur al-Quran, Qom: Center for Islamic Propaganda Office.
- Makarim Shirazi, Nasser (1421), Quran: Imam Ali bin Abi Talib school.
- Hosseini, Astarabadi Sayyed Sharaf al-Din Ali (1409), Interpretation of Al-Ayat al-Dharahah, Qom: Islamic Book Publishing House of Qom Seminary Teachers.
- Tusi, Mohammad ibn Hasan, (Bey), Al-Tobayan al-Tafsir al-Quran, Beirut: Dar al-'Arta al-Arabi.
- Tabrsi, Fazl ibn Hassan, (1372), Assembly of the Fifth Exposition of Al-Quran, Q 3, Tehran: Naser Khosrow Publication.
- Feyz Kashani, Mullah Mohsen (1415), Al-Safi's commentary, Q2, Tehran: Al-Sadr Publications.
- Mughniyeh, Mohammad Javad (1424), Tafsir-e-Kashf, Tehran: Dar al-Kabul al-Issawi.
- Mughniyeh, Mohammad Javad, (Bey), Al-Tafsir Al-Mubin, Qom: Be'sat Foundation.
- Kashani, Mohammad ibn Mortazai, (1410), Tafsir al-Me'in, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Gonabadi, Sultan Muhammad, (1408), commentary on the statement by the authorities of al-Abadah, Q 2, Beirut: The Ministry of Education of the Media.
- Eparat Kufi, Abolqasem Efat Bin Ebrahim, (1410), Fathat Efat al-Kofi, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Islamic Guidance Ministry.
- Qomi, Ali ibn Ibrahim (1367), Qomi commentary, Q 4, Qom: Dar al-Ka'tab.
- Qom, Mashhadi Mohammad ibn Mohammad Reza (1368), Interpretation of Kanez Al-Daghigh and Al-Gharrabi, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Islamic Guidance Ministry.
- Bride, Hawizi Abdul Ali ibn Juma (1415), Commentary on Noor al-Takhelin, Q 4, Qom: Ismaili Publications.
- Abyari, Ibrahim (1405), Al-Musawat al-Quranay, Sajjal al-Arab. Qasemi, Mohammad Jamal al-Din (1418), The Merits of Altaawil, Beirut: Dar al-Tab al-Almayyah.
- Qartabi, Mohammed bin Ahmad (1364), Al-Juma Lahakam al-Quran, Tehran: Naser Khosrow Publication.

Hosseini Shirazi, Seyyed Mohammad, (1424), Approximately Al-Quran Ela Al- Azhan, Beirut: Dar al-Alum.

Meybodi, Rashid al-Din, Ahmad ibn Abi-Sa'ad (1371), Kashf al-Asrar and'AdaQ al-'Abrar, Q 5, Tehran, Amir Kabir's publications.

Sayyid ibn Qutb, ibn Ibrahim Sha'zali, (1412), in Zhelal al-Quran, Q 7, Beirut - Cairo: Darleshrouch.

Alushi, Seyyed Mahmoud, (1415), Roh al-Ma'ani by the commentary of Al-Qur'an al-Azim, Beirut: Dar al-Kot al-Olamiya.

Tabari, Abu Ja'far Mohammed ibn Jarir, (1412), Jame al-Bayan by the commentary of al-Quran, Beirut, Dar al-Ma'arfa.

Tarihi, Fakhr al-Din bin Mohammad, (1375), Assembly of Al-Bahrain, Q 3, Tehran.

Fakhroddin Razi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar, (1420), Mu'tatih al-Ghab, Ch 3, Beirut, Dar Ahiya al-'at al-Arabi.

Faiz Kashani, Mohammad Mohsen bin Shah Morteza, (1406), Alwafi-Isfahani.

Feyz-ul-Islam, Seyyed Ali Naqi (1999), translation and interpretation of the great Quran, Tehran: Faghih Publication.

Maraghey, Ahmad ibn Mostafa, (Bey), Muraqi's commentary, Beirut: Darahiyat al-Arab al-Arabi.

Mostafavi, Hassan, (1430), Al-Takayegh for the words of al-Quran al-Karim, Q 3, Beirut-Cairo-London.

Mousavi Hamedani, Seyyed Mohammad Baqir (1374), translation of the commentary of al-Mizan, Q5, Qom, Islamic Bookstore of the Society of Teachers of Qom Seminary.

Hosseini Hamedani, Seyed Mohammad Hossein, (1404), Anvar Derakhshan, Tehran: Lotfi Bookstore.

